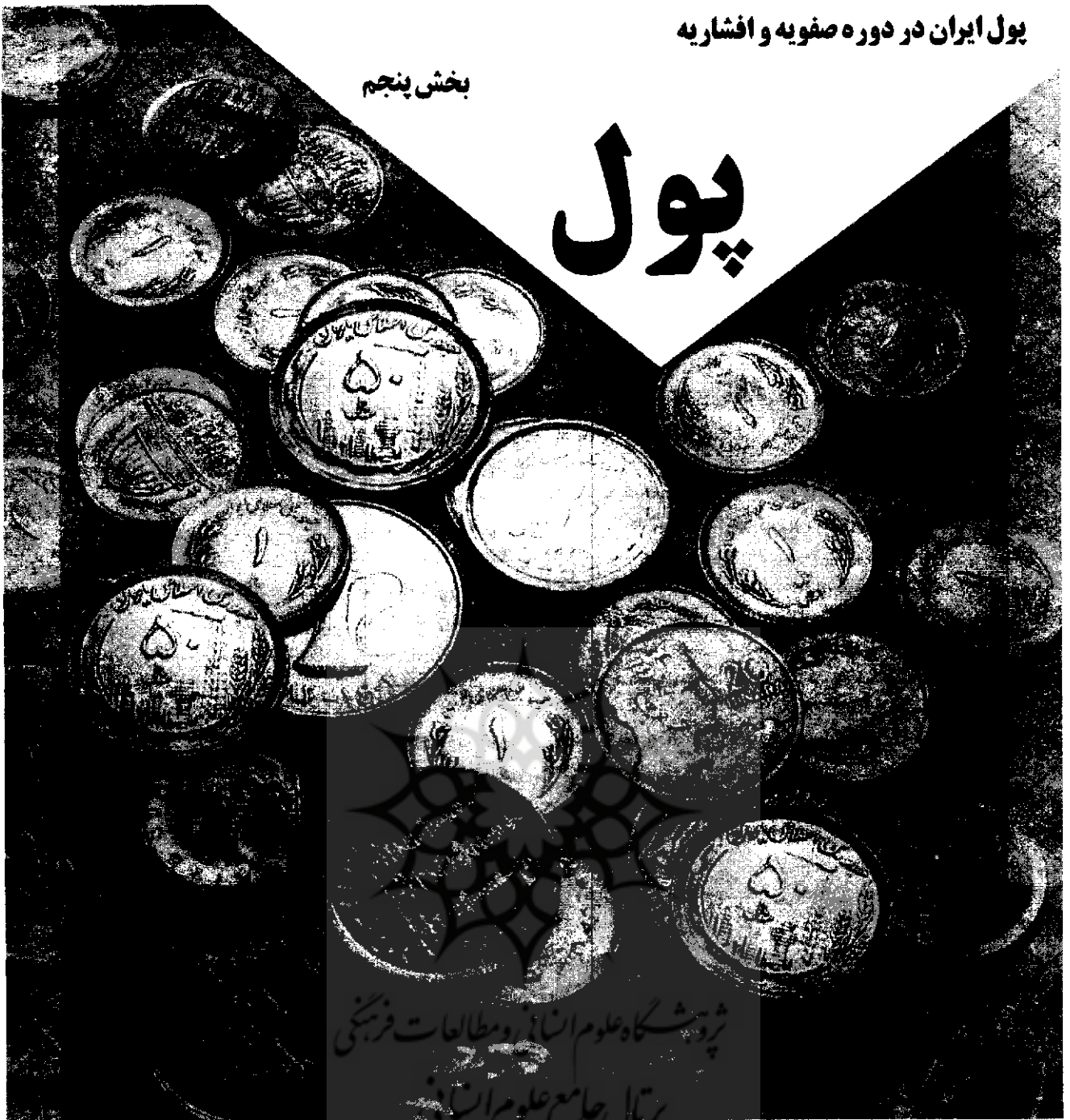


پول



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
مركز جامع علوم انسانی

پول ایران در دوره صفویه بیشتر نقره و مس بود، البته در این دوره پول طلا هم ضرب می‌شد، ولی بیشتر جنبه تشریفاتی داشت و در موقع جشن تولد شاه یا جلوس او مقداری سکه طلا ضرب می‌کردند و به عنوان عیدی به مردم می‌دادند و این سکه‌ها در تجارت رواجی نداشت. شاردن، سیاح فرانسوی در این باره می‌نویسد: "پرداخت وجه در ایران به نقره است و طلا در تجارت رواج ندارد."
"عباسی" بزرگترین واحد پول نقره بود که شاه عباس صفوی آن را ضرب کرد و به نام او به "عباسی" معروف شد. این پول برابر با ۲۰۰ دینار بود و در مقابل نقره وزن داشت، ولی بعدها وزن

قمری به طور مستمر و پس از آن تا سال ۱۱۴۸ هجری قمری (تا زمان جلوس نادرشاه) به طور اسمی در ایران سلطنت کردند. ظهور این سلسله در ایران از چند نظر واجد اهمیت است که مهمترین آن‌ها وحدت ایرانیان و رسمی شدن مذهب تشیع و ترقی صنایع و هنرهاست.
نسب صفویان به شیخ صفی‌الدین اردبیلی، عارف معروف می‌رسد. موسس این سلسله شاه اسمعیل است و پس از شاه اسمعیل، ده تن از اخلاف وی به سلطنت رسیدند. این سلسله در حقیقت پس از قیام محمود افغان و مسخر شدن هرات و مشهد به دست افغانه و سقوط اصفهان، منقرض شد.

بعد از بررسی سریع دوران تولد و نوزادی پول، به سیر تحول و تکامل آن پرداختیم و کم و کیف پول ایرانیان در دوره هخامنشیان، اشکانیان، ساسانیان، خلفای اسلام و مغول را شرح دادیم و اینک، نوبت به دوره صفویه رسیده است که در این زمینه از تاریخ تمدن ایرانیان هم حرف‌هایی گفتنی وجود دارد.

بانک و اقتصاد

● پول ایران در دوره صفویه

صفویان، سلسله‌ای معروف از پادشاهان ایران بودند که از سال ۹۰۵ تا سال ۱۱۳۵ هجری

نمی‌کرد و گرفتار می‌شد، جریمه زیادی از او دریافت می‌کردند. اما اگر تاجری کار و شغلش اجازه نمی‌داد که در ایروان یا تبریز توقف کند و می‌خواست نقره خود را مستقیماً به اصفهان ببرد و در ضرابخانه آنجا سکه بزند، بلیطی از رییس ضرابخانه ایروان یا تبریز می‌گرفت و همان بلیط برای او سند معامله و ارایه نقره محسوب می‌شد. تاورنیه^(۲) می‌نویسد: "کم اتفاق می‌افتد که تاجری نقره خود را به اصفهان برساند، به جهت این که رؤسای ضرابخانه سرحدی یک تنک^(۳) نقره یا چیزی نظیر آن به تاجر تعارف می‌دهند که او را برآن دارند تا در تبریز یا ایروان نقره خود را به سکه مملکتی تبدیل کند. آنهایی که برای تجارت ابریشم گیلان می‌روند، باید از تقلیس بگذرند، در آنجا رییس ضرابخانه صدی دو به آنها منفعت می‌دهد که در آنجا نقره را سکه بزنند، به جهت آن که پولی که آنجا به ایشان می‌دهند، قدری بار دارد، ولی برای آنها تفاوتی نمی‌کند، زیرا به همان قیمت اسمی این سکه در تمام گیلان رایج است."

دالساندردی (Daleassandrie) هم که در عهد شاه ظهاسب به ایران آمده، در این مورد می‌نویسد: "کسانی که نقره از ترکیه به ایران وارد می‌کنند، ۲۰ درصد منفعت می‌برند و از طلا ۱۴ الی ۱۵ درصد، و از مس ۱۸ و گاهی ۲۰ درصد." به همین دلیل، پول زیادی از اروپا و ترکیه (عثمانی) وارد ایران می‌شد، اما این پول‌ها در ایران نمی‌ماند و بیشتر آن‌ها راه هندوستان را در پیش می‌گرفت و قسمتی از آنها هم در خزانه شاه و صندوق افراد تا ابد زندانی می‌شد و نتیجه این شد که همواره پول نقره خوب در ایران کمیاب بود و به این جهت، دولت خروج پول طلا و نقره را از ایران قدهن کرد و حتی در زمان شاه عباس، مجازات آن اعدام بود، ولی با این حال، قاچاق طلا و نقره از ایران همچنان ادامه داشت و با دادن رشوه به حکام بنادر، یا با پنهان کردن پول‌ها در بین کالا، آنها را از ایران خارج می‌کردند. در واقع، در آن دوره هندیان وضع بدی را در ایران به وجود آورده بودند. آنان سرمایه خود را در تجارت بین ۱۸ تا ۲۰ ماه دو برابر می‌کردند و از اختلاف وزن عیار سکه‌های محلی استفاده کرده، سکه‌های بهتر را از جریان خارج می‌کردند و به هندوستان می‌فرستادند. شاه عباس هم از ورود این دسته به ایران جلوگیری می‌کرد، ولی در اثر

بیستی و تومان است، ولی سکه مخصوص بیستی و تومان ندارند. یک بیستی مساوی با ده دینار و یک تومان معادل ده هزار دینار است. پول‌های رایجشان نقره است. محمدی مساوی دو شاهی و عباسی معادل چهار شاهی و تومان

● در دوره صفویه، در تمام ایالات سکه می‌زدند و وزن سکه‌ها هم در تمام ایالات یکسان بود.

معادل پنج شاهی است. پول مسی عبارت از قازیبکی است که هر ده تایی آنها مساوی با یک شاهی است. پول طلا ندارند، ولی در موقع تاجگذاری و عید نوروز پول طلا سکه می‌زنند. سکه‌های طلا اسم مخصوصی ندارد و ایرانی‌ها آن را طلا و اشرفی می‌گویند. وزن سکه‌ها در همه جا یکسان است. در تمام ایالات سکه می‌زنند و حق ضرب از تمام ممالک دنیا بیشتر است."

نکته جالب توجه در مورد پول‌های ایران از دوره صفویه به بعد این است که تمام آحاد پول ایران، در واقع، به شیوه اعشاری نگهداری می‌شد. فی‌المثل: ۲۰۰ قازیبکی = ۵ بیستی، ۲۰ شاهی = ۱۰ محمدی، ۵ عباسی = ۱۰۰۰ دینار، یک عباسی = ۲۰۰ دینار، یک محمدی = ۱۰۰ دینار ...

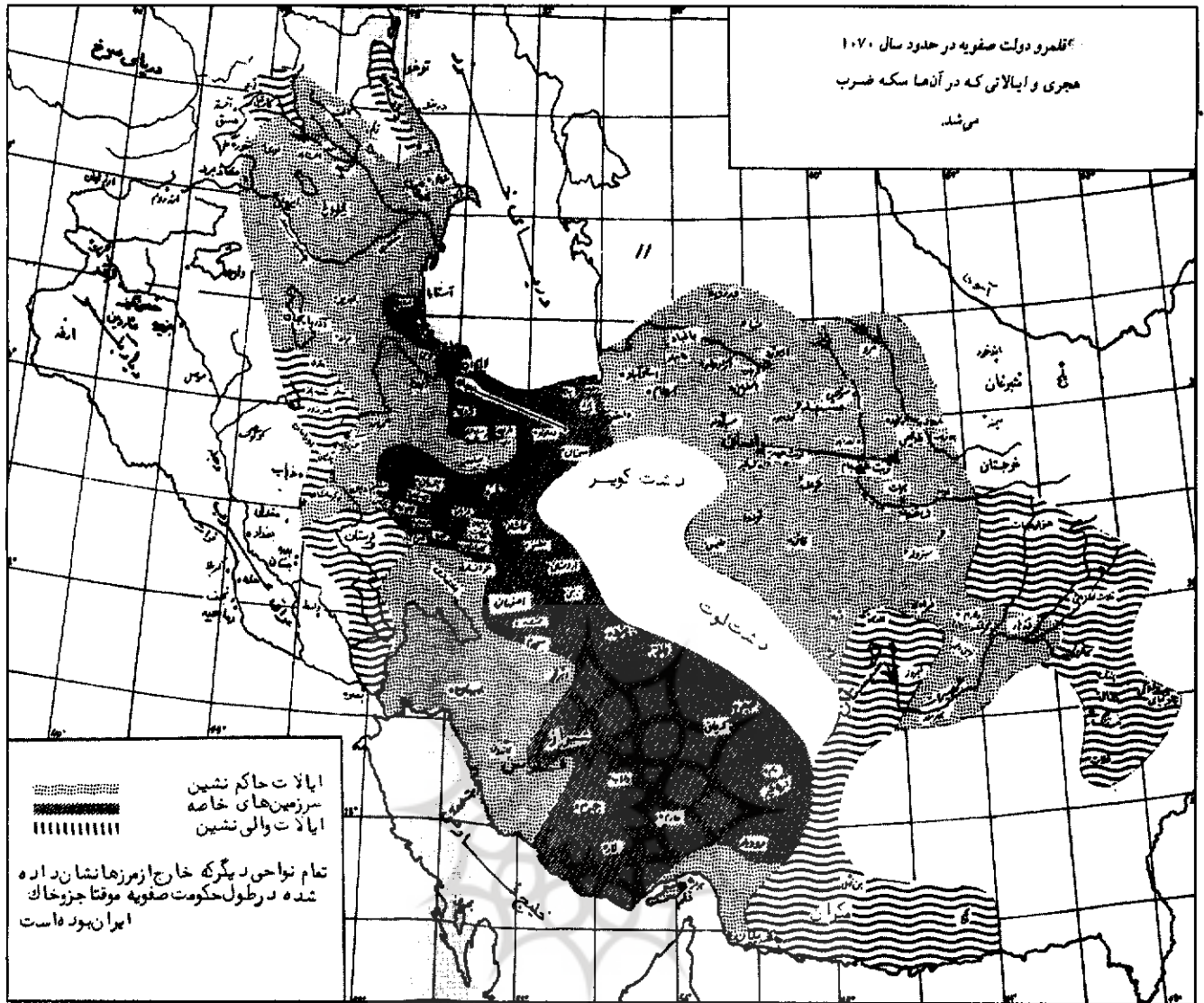
● از دوره صفویه به بعد، نسبت تمام آحاد پول ایران به یکدیگر نسبت اعشاری شد.

در زمان صفویه گرچه در ایران معادن طلا و نقره وجود داشت، ولی استخراج نمی‌شد، زیرا هزینه استخراج یک مثقال نقره و طلا از قیمت آنها در بازار بیشتر بود و لذا بیشتر پول‌ها را از سکه و شمشعی که از ممالک اروپا وارد می‌کردند، می‌ساختند. کلیه کسانی که وارد خاک ایران می‌شدند - اعم از تجار ایرانی و خارجیان - موظف بودند که در ایروان یا در تبریز، که ضرابخانه شاهی در آنجاها وجود داشت، هر قدر پول نقره داشته باشند، اظهار کنند تا اسم شاه بر آنها ضرب شود. اگر کسی نقره خود را اظهار

آن به یک مثقال رسید. بعد از "عباسی" از لحاظ ارزش، "محمدی"^(۱) است که برابر با ۱۰۰ دینار بود و به وسیله سلطان محمد خدابنده، پدر شاه عباس مرسوم شده و به نام او "محمدی" نام گرفته بود. "شاهی" از عباسی و محمدی کوچکتر بود که ۱/۲۰ گرم وزن و معادل ۵۰ دینار ارزش داشت. کوچکترین سکه نقره رایج در عهد صفویه "بیستی" نام داشت که برابر با ۲۰ دینار بود و هر شاهی ۱/۵ بیستی می‌ارزید. توضیح این که سکه بیستی مدتی بعد از جریان خارج شد و دیگر رواج نداشت. "تومان" هم یک واحد دیگر بود که البته صورت خارجی نداشت و به عنوان واحد محاسباتی به کار می‌رفت و معادل ۵۰ عباسی بود. در سواحل خلیج فارس هم سکه‌ای به نام "لاری" رواج داشت که از نقره خالص ساخته می‌شد و معادل دو شاهی و نیم بود و شکل خاصی داشت. به گفته شاردن: "لاری مانند مفتول گردی است به درشتی قلم که آن را تا کرده باشند و وسط آن به اندازه شست دست است و علامت مخصوصی روی آن دارد. در وسط آن هم مهره‌ای آویخته‌اند که روی آن مهره نام پادشاه وقت و ارزش سکه ذکر شده است. این سکه از طرف سلسله‌ای که در لارستان حکومت می‌کرد، منتشر می‌شد و چون شاه‌عباس آن سلسله را منقرض کرد، مقدار آنها فوق‌العاده کم شد."

پول مسی این دوره به نام "قازیبکی" بود که گاهی آن را به نام "فلوس" نیز می‌خواندند. هر بیستی معادل ۴ قازیبکی بود (هر قازیبکی معادل ۵ دینار ارزش داشت) در این دوره، وزن سکه‌ها در تمام ایالات یکسان بود و روی سکه‌ها کلمات لاله‌الا...، محمد رسول...، و اطراف آن نام دوازده امام و در طرف دیگر اسم پادشاه و تاریخ و محل ضرب منقوش بود. روی پول‌های مسی یک طرف شیر و خورشید و در طرف دیگر، تاریخ و محل ضرب نقش می‌شد و در ضمن، تصاویر گوناگونی از حیوانات از قبیل غزال، گربه، مار، شیر و غیره نیز حک شده بود.

شاردن، سیاح فرانسوی در سفرنامه‌اش (سفر به ایران و هند شرقی) در این مورد چنین می‌نویسد: "ایرانی‌ها هر قسم پولی را زر می‌نامند که به معنی طلا است و سیم در زبان آنها به معنی نقره است. به پول نقره اسم درهم می‌دهند و پول طلا را دینار می‌گویند. حساب آنها به دینار و



دوره صفوی انجام می شد، به نه دستگاه تقسیم کرده اند بدین قرار:

- ۱- دستگاه ساسکی (۴): طلای مغشوش (مخلوط) و نقره کم عیار را خالص می کنند.
- ۲- دستگاه قرص کوبی: قرص خالص را به جهت ساختن ضرب می کوبند.
- ۳- دستگاه آهنگری: بعد از آن که قرص کوب کار خود را تمام کرد، فلز را در دستگاه آهنگری به صورت شمش درمی آورند.
- ۴- دستگاه چرخ کشی: بعد از آهنگری، طلا و نقره را از حدیده (۵) فولاد بیرون می کشند.
- ۵- دستگاه قطاعی: طلا و نقره را برای ساختن نقود قطعه قطعه می کنند.
- ۶- دستگاه کهل کوبی (۶): آن چه را از شمش قطع شده است، برای ساختن عباسی و پنج شاهی پهن می کنند.
- ۷- دستگاه سفیدگری: رنگ زرد را سفیدگری می کنند.

این بود که معمولاً سلاطین سعی می کردند که از نظر حفظ اعتبار خود، سکه های خوب و پرعیار سکه بزنند و تا اواخر دوره قاجاریه این بدعت که حتی الامکان سکه های پادشاهان باید خوش عیار باشد، رعایت می شد. تهونو (Thevenot) که در زمان شاه عباس دوم (۱۶۶۸-۱۶۶۴) به ایران آمده بود، می نویسد: "از آن جایی که سکه عباسی رایج ترین سکه در ایران است، خوب است تذکر این نکته داده شود که این پول یکی از بهترین پول های جهان است. این سکه از نقره خالص ساخته شده و ضرابان جرأت ندارند یک سکه را ضرب کنند مگر آن که نقره های وارده را ذوب کرده و سپس به عباسی تبدیل نمایند. عباسی را با چکش می کوبند نه با ماشین، ولی با این همه وزن آنها به قدری خوب و یکنواخت است که وقتی می خواهند مبلغ زیادی پول بپردازند، آنها را از روی وزن احتساب می کنند." رویهمرفته، اعمالی را که در ضرابخانه های

رشوه دادن هندیان که به صورت هدایا به شاه صفی دادند، وی به آنها اجازه سکونت و تجارت در ایران را داد.

علاوه بر هندیان، اروپاییان نیز به این کار اشتغال داشتند. مسیو گاردن، کنسول فرانسه در ۲۰ ژانویه ۱۷۲۲ در گزارش خود به وزیر امور خارجه فرانسه در این مورد می نویسد: "انگلیس ها و هلندی ها تمام طلا و نقره ایرانی خود را به صورت شمش و یا سکه از ایران خارج می کنند. آنها به طور مخفیانه و خیانت آمیزی قلیان و زین و برگ براق اسب و بشقاب های طلا و نقره را خریداری کرده و تبدیل به شمش کرده و به هندوستان می فرستند..."

شایان ذکر است که اگر چه سکه های ایرانی روز به روز کم ارزش تر می شد، باز هم صدور آنها برای هندیان صرف می کرد، زیرا پول هندوستان مرتب در مسابقه کم ارزشی شدن پول از ایران جلو بود. یکی از دلایل صدور طلا و نقره از ایران هم

تومان هم به یک لیره و ۱۸ شلینگ رسید.
مسکوکات طلای رایج در دوره افشاریه نیز بدین شرح بوده است:
- مهر اشرفی یا سکه دوکا، معادل ۲ مثقال و ۹ نخود.
- اشرفی که عیار دوکای هندی را دارد، ۱۸ نخود.

- اشرفی نادرشاهی، ۱۸ نخود.
- اشرفی مشهد، ۱۸ نخود.
- اشرفی بخارا، ۱ مثقال.
- فندوقلی (اشرفی ترکی)، ۱۸ نخود.
- دوکای ونیس، ۱۷۳/۴ نخود.
در زمان نادرشاه، پول‌های خارجی نیز در جریان معاملات بود و مثل پول رایج دست به دست می‌شد. با وجود این، مقدار پول، تکافوی جمیع معاملات را نمی‌کرد.
ادامه دارد

زیر نویس‌ها

(۱) در بعضی از منابع "محمودی" آمده است.
(۲) سیاح فرانسوی (۱۶۸۹-۱۶۰۵م). وی در ممالک عثمانی، ایران و هند سیاحت کرد و خاطرات خود را در سفرنامه‌اش منتشر نمود.
(۳) کم، اندک، کم حجم.
(۴) سبک، به معنی ریخته‌گر و زرگر می‌باشد.
(۵) در لغت به معنی قطعه‌ای از آهن، ابزار آهنین، صفحه‌ای فلزی و سوراخ‌دار است که فلزات را به توسط آن به شکل میله نازک و مفتول در می‌آورند.
(۶) کپله، ریزه‌های زر و سیم را می‌گویند و زرسفید را نیز گفته‌اند و به ترکی آقچه خوانند (برهان فاطع، جلد ۳۵).
(۷) این اعمال (دستگاه‌ها) در تذکره‌الملوک آمده که در دوران حکومت موقت افغانه (افغان‌ها) بر ایران نوشته شده است.

این سلسله شاهرخ میرزا و نادر میرزا بودند که هر دو به قتل رسیدند و این سلسله منقرض شد.
در اواخر سلطنت صفویه و اوایل سلطنت نادرشاه، مقدار پول در ایران تقلیل یافت و به این جهت، خروج پول فلزی از کشور ممنوع شد، ولی پس از فتح هندوستان و به دست آمدن غنایم بسیار که ارزش آن را به ۸۷۵۰۰۰۰۰ لیره انگلیسی تخمین می‌زنند، نادر شاه به ضرب سکه پرداخت. سرجان ملکم، دیپلمات و سفیر حکومت انگلیسی هند در ایران زمان فتحعلیشاه قاجار در این باره می‌نویسد: "لشکرکشی نادرشاه به هند با خرابی و ویرانی همراه بود. مقدار غنایمی که او از آن کشور برگرداند، با اختلافات چندی برآورد شده است. بیشترین ارزیابی این غنایم را بالاتر از هفتاد میلیون استرلینگ قرار داده است و پایین‌ترین ارزیابی بیش از سی میلیون استرلینگ حساب کرده است."

در سکه‌هایی که در زمان نادرشاه رواج داشت، دیگر نام‌های دوازده امام و لاله‌الا... به کار نمی‌رفت و نام نادرشاه به طرق مختلف در روی سکه دیده می‌شود. به عنوان نمونه:
هست سلطان بر سلاطین جهان
شاه شاهان، نادر صاحبقران
داده زیب تازه او بر مهر و ماه
سکه نادرشاه گیتی پناه
در زمان نادرشاه، علاوه بر سکه‌های زمان صفویه، سکه‌ای به نام "نادری" ضرب شد که معادل با ۵۰۰ دینار بود و در حدود دو مثقال نقره داشت. پول‌های زمان نادرشاه از قرار زیر است:
- پانصد دینار، که همان روپیه یا نادری است.

- سیصد دینار یا ۶ شاهی.
- عباسی، معادل با ۲۰۰ دینار.
- صد دینار یا محمدی.
- شاهی، معادل ۵۰ دینار.
- بیستی، معادل ۲۰ دینار.
- قازبیک، معادل ۵ دینار.

همانطور که قبلاً گفته شد، در زمان صفویه وزن سکه‌های نقره به زودی کاهش یافت و در سال ۱۶۷۸ میلادی یک تومان (یا ۵۰ عباسی) دارای ارزش دو لیره و ۶ شلینگ و ۸ پنس شد. در آغاز قرن هیجدهم، یعنی در زمان شاه سلطان حسین، عباسی فقط ۸۴ گندم وزن داشت و ارزش تومان حدود ۲۴ لیره بود. در زمان نادرشاه وزن عباسی به ۷۲ گندم کاهش یافت و ارزش

۸- دستگاه بخش کنی: عباسی کم‌وزن را جدا کرده، مجدداً می‌گذازند.

۹- دستگاه سکه کنی: استادان سکه کنی با استفاده از این دستگاه هر روزه به شغل سکه کنی اشتغال دارند (۷).

و اما درباره هزینه‌های تحمیلی به پول ایران در دوره صفویه لازم به یادآوری است که در این دوره، عایدات خزانه دولت از بابت سکه بسیار ناچیز بود، اما هزینه‌های تحمیلی به سکه بسیار و به همین دلیل، قاچاق سکه‌های خارجی به داخل مملکت صرف داشت و حتی وارد کنندگان سکه‌های خارجی پس از پرداخت حق‌العمل ضرابخانه سود زیادی می‌بردند. به طور اختصار، هزینه‌های تحمیلی به پول ایران در دوره صفویه چنین بود:

۱- ۵ درصد گمرک عایداتی (که عاید زرگرباشی می‌شد).

۲- هزینه سکه که گاهی تا ۷/۵ درصد بالا می‌رفت و شامل ۱ تا ۱/۵ درصد عادی بود.

۳- مبلغ حق‌الامتياز شاهی که در زمان شاه سلطان حسین و محمود افغان به ۱۶ درصد رسید.

۴- سود وارد کننده که گاهی اوقات تا ۲۰ درصد هم می‌رسید.

۵- منفعت غیرمشروع معیرالممالک (رییس ضرابخانه) یا مستأجران ضرابخانه.

۶- هرگونه تنزل ارزش پول که با اجازه شاه انجام می‌شد.

به طور کنی، در طول مدت ۲۵۰ سالی که سلاطین صفویه در ایران سلطنت کردند، ارزش پول ایران تنزل زیادی کرد و واحد رسمی پول، یعنی تومان که ده هزار دینار است، از ۴۰۰ مثقال نقره در زمان شاه اسمعیل، به ۵۰ مثقال نقره در زمان شاه سلطان حسین و محمود افغان کاهش یافت.

● پول ایران در دوره افشاریه

افشاریه، سلسله‌ای از پادشاهان ایران بودند که از سال ۱۱۴۸ تا حدود ۱۲۱۰ هجری قمری سلطنت کردند. مؤسس این سلسله نادرشاه از طایفه افشار بود. قلمرو وسیع مملکت نادرشاه بعد از قتل او (۱۱۶۰ هجری قمری) به سبب بی‌لیاقتی اعقاب او و هم چنین، به علت ظهور مدعیان مختلف تجزیه شد. آخرین بازماندگان

